



The right to freedom of expression in human rights conventions and the scope of sovereign rights in restricting it

Received: 2025/01/22

Accepted: 2025/03/08

Zeina Yaghoubi:

PhD student, Islamic Azad University, Damghan Branch

E-mail:

zina.yaghoubi@gmail.com

Amir Hossein Malekzadeh:

Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Mashhad Branch

E-mail:

ahmolkizadeh@yahoo.com

Fakhreddin Abuieh:
Assistant Professor, Department of Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

E-mail:

f.alboyeh.dr@gmail.com

Abstract:

The principle of freedom of expression, as one of the most important fundamental human rights and freedoms, has been repeatedly considered in human rights documents worldwide. However, the implementation of the right to freedom of expression, which is faced by countries with many challenges, including its limits and its intersection with the right of sovereignty and broad interpretations, has received less attention in studies. Given the high status of freedom of expression and the national and international responsibility for its protection, conditions must be created that minimize the possibility of arbitrary aggression and violation by governments. These conditions are achieved in light of the awareness and action of countries on the obligations arising from international treaties, international customary law and peremptory norms related to the first generation of human rights. The present article aims to examine the right to freedom of expression in human rights conventions and the limitations of the right of sovereignty based on a descriptive and analytical method. First, it explains the fundamentals of the international human rights community's obligations, then enumerates the legitimate and legal restrictions that can be applied to the right to freedom of expression and the challenges that exist in the conflict between these two rights, and finally, by explaining the elements of the international responsibility of countries, it discusses how it is created when the right to freedom of expression is violated and violated. In practice, absolute freedom cannot be achieved, and naturally, in order to govern society and prevent chaos, there are limitations to it, including respect for the law and the rights of others. Also, protecting the right to freedom of expression requires countries to adhere to international obligations and peremptory rules of human rights.

Keywords: right to freedom of expression, human rights, right to sovereignty, international law, first generation of human rights

حق آزادی بیان در کنوانسیون‌های حقوق بشری و دایره حق حاکمیت بر محدودسازی آن

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

چکیده:

زینا یعقوبی:

دانشجوی دکترا، دانشگاه آزاد
اسلامی واحد دامغان

ایمیل:

zina.yaghoubi@gmail.
com

امیر حسین ملک زاده:

استادیار و عضو هیئت علمی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

ایمیل:

ahmolkizadeh@yahoo.
com

فخرالدین ابوئی:

استادیار گروه حقوق، واحد
دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی،
دامغان، ایران

ایمیل:

f.alboyeh.dr@gmail.com

اصل آزادی بیان، بعنوان یکی از مهم ترین حقوق و آزادی های بنیادین بشری، در سطح جهان مکررا در اسناد حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، اجرای حق آزادی بیان که از سوی کشورها با چالش های فراوانی از جمله حدود آن و تلاقی آن با حق حاکمیت و تفسیر های موسع روبروست در مطالعات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به جایگاه والای آزادی بیان و مسئولیت ملی و بین المللی مربوط به صیانت از آن باید شرایطی فراهم شود که امکان تعرض و نقض خودسرانه حکومت ها را به حداقل رساند. این شرایط در پرتو آگاهی و عمل کشورها به تعهدات برخاسته از معاهدات بین المللی، حقوق عرفی بین المللی و قواعد آمره مرتبط با نسل اول حقوق بشر، حاصل می شود. مقاله حاضر با هدف بررسی حق آزادی بیان در کنوانسیون های حقوق بشری و محدودیت های حق حاکمیت بر مبنای روش توصیفی و تحلیلی است. ابتدا مبانی تعهدات جامعه بین المللی حقوق بشر را تشریح و سپس، به احصای محدودیت های مشروع و قانونی قابل اعمال بر حق آزادی بیان و چالش های موجود در تعارض این دو حق و در نهایت با تبیین ارکان مسئولیت بین المللی کشورها به چگونگی ایجاد آن به هنگام نقض و تعدی حق آزادی بیان می پردازد. در عمل آزادی مطلق قابل تحقق نیست و طبیعتا برای اداره جامعه و جلوگیری از هرج و مرج، محدودیت هایی برای آن وجود دارد که رعایت قانون و حقوق دیگران از جمله آن هاست. همچنین صیانت از حق آزادی بیان مستلزم پایبندی کشورها به تعهدات بین المللی و قواعد آمره حقوق بشر می باشد.

کلید واژه ها: حق آزادی بیان، حقوق بشر، حق حاکمیت، حقوق بین الملل، نسل اول حقوق بشر

حق آزادی بیان به عنوان یکی از بنیادی ترین حقوق بشر که تعرض و تحدید بدون چارچوب آن میتواند آزادیهای اساسی بسیار دیگری را تحت الشعاع خود قرار دهد و موجبات استبداد را فراهم آورد. به طور کلی آزادی بیان به معنای حق قانونی افراد برای بیان نظرات و عقاید خود و جست و جوی آزادانه اطلاعات و نظرات مختلف بدون ترس از سانسور یا برخورد قانونی است. بر اساس اسناد قانونی مهم بین المللی، آزادی بیان عبارت است از حق جست و جو، دریافت و انتشار اطلاعات و ایده ها از هر نوعی و با هر وسیله ای می باشد. بر اساس نگرش غایت محورانه انسانی، آزادی بیان از مقتضیات استقلال فردی انسان به مثابه یک غایت بالذات است و محدودسازی آن را باید در چارچوب استثنای ضروری تبیین کرد. در ساحت حقوق طبیعی نیز آزادی، حق طبیعی است و ایجاد هر گونه محدودیتی در تغایر بالذات با این حق به شمار می آید.

حق آزادی بیان در بسیاری از اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای حقوق بشر به وفور انعکاس یافته است از جمله بند ۶ ماده ۷۶ منشور در سطح جهانی و همچنین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سطح منطقه ای در قانون اساسی ایران نیز از جنبه ای مختلف آزادی اندیشه و بیان به انحاء مختلف حمایت به عمل آمده است. از جمله: آزادی بیان بطور کلی بند ۲ اصل ۲۳ آزادی مطبوعات، اصل ۲۴ آزادی ابراز جمعی عقاید اصل ۲۶ و ۲۷ آزادی عدم انتخاب عقیده اصول ۲۳ و ۲۶، آزادی دریافت اطلاعات اصل ۲۵ و در واقع وجود اصل ۲۴ در ذیل اصل ۲۳ بیانگر این مطلب است که قانون اساسی در اصل ۲۳، از اصل آزادی بیان حمایت کرده و در اصل ۲۴ یکی از مصادیق مهم این اصل را که همان آزادی بیان از طریق مطبوعات است را ذکر نموده است (ملک پوربهابادی و جعفری، ۱۴۰۲). این حق در قانون اساسی در قالب یک نظام تنبیهی اعمال گردیده است بدین معنا که افراد تنها در یک چارچوب خاص، در بیان عقاید و اندیشه های خود آزاد هستند.

با این وجود بسیاری از دولت ها با استناد به اعلامیه بودن اعلامیه جهانی حقوق بشر از رعایت قواعد آن سر باز زده اند بی توجه به اینکه اکنون این اعلامیه جنبه ی قاعده عرفی پیدا کرده و رعایت آن بر همگان واجب است (عمارلو، ۱۴۰۲).

حق آزادی بیان، در اسناد بین المللی و منطقه ای گوناگون و از جمله در ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های بنیادین (۴ نوامبر ۱۹۵۰) مورد حمایت قرار گرفته است. دیوان اروپایی حقوق بشر که عملکرد متری و نقش برجسته ی آن در تبیین و تفسیر مفاد و مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، افزون بر و در کنار پروتکل های الحاقی به کنوانسیون، بی گمان یکی از عوامل پویایی این سند به شمار می رود. کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر به مثابه سند التزام آور حافظ ترتیبات حقوق بشری در میان کشورهای اروپایی عضو، نمونه بارز و پیشرو در میان اسناد بین المللی در حوزه آزادی می باشد. ازسوی دیگر، آنچه در بحث آزادی بیان مفید به نظر می رسد ضرورت و لزوم بحث از حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون پس از دهه ها بی توجهی امروزه بیشترین توجه حقوقدانان را به خود جلب کرده است. توسعه اقتصادی به طرز فزاینده ای منجر به شناسایی اهمیت حاکمیت قانون در تأسیس چارچوبی به منظور رشد اقتصادی و آزادی های فردی گردیده است (ملک پوربهبادی و جعفری، ۱۴۰۲). در واقع می توان چنین گفت که از آنجا که مهم ترین کارکرد قانون تنظیم روابط میان دولت و شهروندان از طرفی و شهروندان با یکدیگر از طرف دیگر است با پیچیده تر شدن دو نوع تعامل یاد شده، نقش قانون و بالتبع مفهوم حاکمیت قانون برجسته تر و قابل ملاحظه تر می شود برداشت عمومی را می توان چنین خلاصه کرد که توسعه اقتصادی و اجتماعی از دولت خوبی ناشی می شود که مطابق با اصول مشارکت دموکراتیک اعمال مشروع قدرت نهاده شده و براساس قانون حکومت کند (پاژول^۱، ۲۰۲۳).

در مطالعات انجام شده در این خصوص چارچوبی مشخصی جهت محدود ساختن قدرت دولت ها در تفسیر موسع از عناوینی چون نظم عمومی به عمل نیامده که خود از موجبات تضییع حق آزادی بیان در این لفاف خواهد بود. لزوم تحدید آزادی انسان مبتنی بر تعامل انسان با دیگران و زندگی جمعی وی در اجتماع است و آزادی نسبی و غیرمطلق نتیجه طبیعی و بدیهی زندگی اجتماعی است چنین تحدیدی از طریق قانونگذار صورت می پذیرد. تعیین محدوده ای برای آزادی های عمومی در حقوق داخلی کشورها مبتنی بر اسناد بین المللی و قواعد حقوق اساسی امری بدیهی به نظر می رسد چرا که همانطور که آزادی بی حد و حصر موجب هرج و مرج و بی نظمی در جامعه می گردد تفسیر موسع از عناصری مانند نظم عمومی توسط دولت ها برای تحدید آزادی بیان موجبات بر هم خوردن اصول حاکم بر دستیابی به حقوق بشر خواهد بود ، بر همین اساس باید مقررات بین المللی و داخلی، حقوق و آزادی های عمومی و همچنین محدودسازی آنها را به نحو مشخصی عنوان نماید. برای نمونه برخی از اسناد بین المللی به بیان اصول کلی حاکم بر وضع محدودیت بر قواعد حقوق بشر اکتفا کرده اند. از این رو لازم است در این پژوهش، موضوع حق آزادی بیان در کنوانسیون های حقوق بشری و دایره حق حاکمیت در محدودسازی آن مورد بررسی قرار گیرد تا مصادیق واضحی از تحدید بر اصل آزادی و به منظور جلوگیری از ازدیاد محدودسازی ها بر این حق از حقوق بشر نسل سوم داشته باشیم.

۱. مفهوم شناسی آزادی بیان و عناصر آن

آزادی بیان به معنای حق ابراز و بیان عقیده بوده و در کلام جدید از آن بحث شده است. باید توجه داشت که آزادی بیان به این معنا نیست که هرکس هرچه را صلاح دید در جامعه مطرح کند. بلکه در مواقعی که موجب فساد و گمراهی جامعه گردد، باید جلوی این آزادی را گرفت. در فرهنگ سیاسی و فلسفی کمتر واژه‌ای به اندازه «آزادی» به بحث گرفته شده است. در حالی که پاره‌ای از حکیمان، آزادی را به مفهوم رهایی از هر گونه قید و بند دانسته‌اند، جمعی دیگر آن را اطاعت از عقل و اقدام به قانون معنی کرده‌اند. گویی رمز این همه اختلاف و ابهام در خود واژه آزادی نیز نهفته باشد. این واژه به دلیل پیشینه تاریخی خود در جهان طنینی اخلاقی و عاطفی هم دارد و در زمره واژه‌های مقدس درآمده است و هر جا نامی از آزادی است، از جمله آزادمرد، آزادی‌خواه و آزاده و مانند این‌ها، هدف ستایش و تفاخر است و هرگز معنای تحقیر و نکوهش از آن فهمیده نمی‌شود (حسینی، ۱۳۹۵).

تلقی‌ای که ما معمولاً از مفهوم آزادی داریم در مقابل «اسارت» و گرفتار بودن است. در همه زمان‌ها و در همه جوامع، کمابیش همین معنا از آزادی فهمیده شده است. شاید ساده‌ترین تعریف برای آزادی «فقدان منع و جلوگیری» باشد. بدلیل اینکه هیچ انسانی اسارت را دوست ندارد و ذاتاً و فطرتاً هر انسانی خواهان رهایی از قیود و منع‌هاست، مفهوم آزادی برایش دارای جذابیت است. از نظر توماس هابز حق به معنای آزادی انجام و یا عدم انجام یک عمل است آزادی نیز دارای دو جنبه منفی و مثبت است: جنبه‌ی منفی آن به نبود مانع و امکان بهره برداری از حقوق شخصی اشاره دارد و جنبه‌ی مثبت آن توانایی انسان در بهره‌مندی از آنچه عدالت طرح می‌کند را مورد نظر قرار می‌دهد. آزادی بیان را نمی‌توان از آزادی عقیده و آزادی مذهب و دین تفکیک نمود زیرا فکر و اندیشه بدون سخن و بدون ابراز آن ارزشی ندارد.

واژه آزادی در حوزه فلسفه، اخلاق، عرفان و حقوق معانی مختلفی دارد. باید توجه کرد که در بحث از آزادی بیان، معنای آزادی در حوزه حقوقی مورد نظر است. در این معنا از آزادی، بحث از این است که آیا هیئت حاکم یا قانون و اجرا کننده آن می‌تواند آزادی افراد را محدود کند یا نه؟ و اگر می‌تواند تا چه حد این اختیار را دارد تا افراد را به مراعات مقرراتی در روابط اجتماعی خود موظف کند؟ یا آنها را به انجام اوامر و خواست‌های دولت متعهد سازد؟

از طرفی باید دانست که آزادی بیان مفهومی کلی است که از آزادی‌های کوچک‌تر دیگر تشکیل شده است. به اعتقاد کارشناسان حقوق ارتباطات، با بررسی این عناصر یا آزادی‌ها

می‌توان گفت که در یک جامعه آزادی بیان وجود دارد یا نه. مهمترین نوع این آزادی‌ها: آزادی تشکیل عقاید و افکار، آزادی ابراز عقاید و افکار، آزادی انتقال افکار به دیگران، آزادی تعیین مفاد بیان، آزادی تعیین مخاطب، آزادی انتخاب وسیله بیان، آزادی دریافت بیان، آزادی جست‌وجوی اطلاعات.

۲. آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و حقوق بشری

حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگون و از جمله در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های مهم مطرح گردیده است. دیوان اروپایی حقوق بشر که عملکرد متری و نقش برجسته آن در تبیین و تفسیر مفاد و مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، افزون بر و در کنار پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون، بیگمان یکی از عوامل پویایی این سند به‌شمار می‌رود (کرمی و توحیدی، ۱۳۹۹).

در اعلامیه حقوق بشر در ماده ۱۹ چنین می‌خوانیم: «هر انسانی محق به داشتن آزادی عقیده و [آزادی] بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.» همچنین ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز بیان می‌دارد: هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد (اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۹).

اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف- احترام حقوق به حیثیت دیگران. ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

ماده بیست و دوم اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز بیان می‌کند:

هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.

هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند. تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله

به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است. برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

بنابراین مشاهده می‌شود که اصل آزادی بیان، امری کاملاً پذیرفته شده در قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی است. تنها نکته قابل بحث حدودی است که این قوانین برای آزادی بیان مشخص کرده‌اند که باید مورد بررسی قرار بگیرد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی توسط نمایندگان ۵۰ کشور از سازمان ملل متحد تصویب شد. آنها این اقدام را در واکنش به جنگ جهانی دوم انجام دادند تا از وقوع مجدد چنین درگیری‌های گسترده‌ای در سطح جهان جلوگیری کنند. در این اعلامیه، ۳۰ حق بشری تعیین شد. این حقوق به‌گونه‌ای وضع شده‌اند که متعلق به تمام مردم جهان باشند و حق هیچ انسانی ضایع نشود (گاناتلک، ۲۰۲۱).

ماده ۱۸ و ۱۹ این اعلامیه بیش از همه با آزادی بیان مرتبط‌اند. در ماده ۱۸ این اعلامیه می‌خوانیم: هر کسی آزاد است تا به هر آنچه می‌خواهد معتقد باشد و به عقاید خود (از جمله عقاید دینی) عمل کند. ماده ۱۹ این اعلامیه هم مقرر کرده است: هر کسی حق دارد آزادانه عقاید خود را به هر شکلی که می‌خواهد بیان کند. این مواد قانونی مبنای قوانین مختلف حقوق بشری در سراسر جهان شدند. مثلاً ماده ۱۰ قانون حقوق بشر بریتانیا از مواد قانونی اعلامیه حقوق بشر الهام گرفته شده است. این ماده قانونی به افراد حق آزادی بیان بدون مزاحمت و برخورد اعطا می‌کند. با این حال، شرایطی را تعیین می‌کند که این آزادی را محدود می‌کنند. آزادی بیان در ایران هم از اعلامیه جهانی حقوق بشر الهام گرفته شده است و در حقیقت آنچه در قوانینی مانند قانون اساسی و قانون مطبوعات می‌خوانیم، از همین اعلامیه جهانی سرچشمه گرفته‌اند (نصیری خلیلی و گلوردی، ۱۴۰۲).

حاکمیت و آزادی بیان و عقیده

از دیرباز و به ویژه در قرن اخیر، مساله حاکمیت دولت‌ها، چه از نظر داخلی و چه از نظر خارجی، مورد توجه اندیشمندان بوده است. منظور از حاکمیت خارجی، استقلال و عدم وابستگی یک کشور به کشور دیگر است و مراد از حاکمیت داخلی، قدرت مطلق فرماندهی بر همه افراد، گروه‌ها و بر تمام بخش‌های کشور می‌باشد. به موازات بحث از حاکمیت، بحث از آزادی در ابعاد گوناگون آن مثل «آزادی بیان» و «آزادی عقیده» نیز مورد توجه

صاحب نظران بوده است. اعمال حاکمیت در بعد داخلی، با آزادی بیان از نوع مطلق آن، در تعارض است. یکی از آزادی های مطرح شده در بیانیه حقوق بشر، آزادی بیان و تفکر است. «بیان» یعنی: ارتباط با دیگران و «تفکر» یعنی: ارتباط با خود. اینکه تا چه اندازه انسانها محدود بوده و دولتها تا کجا مجازند موانعی برابر آن تحمیل کنند و چگونه، سؤالاتی است که این نوشتار، در پی تبیین آن می باشد (شاپر^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

۳. محدودیت های حق آزادی بیان در جامعه بین الملل

آزادی بیان یکی از پیش فرض های ضروری برای تحقق یک جامعه دموکراتیک است ولی به علت اینکه ممکن است با سایر حقوق تعارض داشته باشد به یک حقی مناقشه پذیر تبدیل شده است، پس نمی توان آن را به عنوان یک حق مطلق قلمداد نمود پس محدودیت هایی برای اعمال آن همچون امنیت ملی، نظم عمومی، منافع عمومی، حفظ آبرو و حیثیت دیگران و غیره اجراء شده است. هرچند آزادی عقیده و بیان در بیشتر کشورهای جهان اصول حقوقی پذیرفته شده اند، در هر کشوری محدودیت های خاصی دارند. در کل هر قاعده ای چه حقوقی و چه غیرحقوقی استثنائاتی دارد و آزادی بیان هم همین طور است. آزادی بیان توسط برخی مطلق تلقی نمی شود، زیرا اکثر نظام های حقوقی عموماً محدودیت هایی را برای آزادی بیان تعیین می کنند، به ویژه زمانی که آزادی بیان با سایر حقوق و حمایت ها در تضاد باشد، مانند موارد افترا، تهمت، هرزه نگاری، فحاشی، کلمات جنگی و مالکیت معنوی (بویکو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰).

برخی از محدودیت های آزادی بیان ممکن است از طریق تحریم های قانونی و برخی دیگر از طریق ناپسندی اجتماعی رخ دهد. در عربستان سعودی، روزنامه نگاران از نوشتن با بی احترامی یا عدم تایید خانواده سلطنتی، مذهب یا دولت منع می شوند. روزنامه نگاران همچنین از هیچ گونه حمایت قانونی برای نوشته های خود در عربستان سعودی برخوردار نیستند. جمال خاشقجی روزنامه نگار منتقد دولت عربستان سعودی بود. او در سال ۲۰۱۸ توسط مقامات عربستان سعودی به دلیل نوشتن خود کشته شد (گاناتلک، ۲۰۲۱).

در بند دوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی برای این آزادی محدودیت هایی وضع شده است که البته تنها به حکم قانون و در صورت ضرورت تجویز می شوند. این محدودیت ها برای حمایت از این مواردند: حقوق یا حیثیت و اعتبار دیگران با رعایت موارد مذکور؛ امنیت ملی یا نظم عمومی؛ بهداشت جامعه؛ اخلاق

3. Schapper

4. Boiko

عمومی. ماده ۲۰ این میثاق هم تبلیغ برای جنگ یا دعوت به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی را که محرک تبعیض، مخاصمه یا اعمال زور باشد، ممنوع اعلام کرده است (نصیری خلیلی و گلوردی، ۱۴۰۲).

در اسناد بین المللی حقوق بشر، مفاهیمی مانند اخلاق حسنه، نظم عمومی، بهداشت عمومی، منافع عمومی، حقوق و حیثیت دیگران، به عنوان محدودیت‌های آزادی بیان مقرر شده‌اند. به بیان دیگر به سبب آن اسناد، هیچ فردی مجاز نیست به استناد برخورداری از حق آزادی بیان، محدودیت‌های مذکور را نادیده بگیرد (هاریس^۵، ۲۰۲۳).

همچنین اسناد بین‌المللی، اصل قانونی بودن را با عناوینی چون *Bylaw*, *Prescribed by law* ذکر نموده‌اند. به این معنا است که وقتی که یک دولت به این نتیجه می‌رسد که آزادی بیان یک فرد را محدود نماید، برای اعمال این محدودیت باید به قانونی توسل جوید که این محدودیت‌ها را لازم بشمارد. ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر از محدودیت‌های تمام حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه، و در نتیجه آزادی بیان بحث می‌کند؛ این ماده اولین محدودیت را، «محدودیت به وسیله قانون» می‌داند. بند سوم ماده‌ی ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز، همچون اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، اولین محدودیت را پیش بینی قانون می‌داند. علاوه بر ماده ۱۹ میثاق، اصول ژوهانسبورگ در مورد امنیت ملی، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات نیز به بحث اصلی قانونی بودن محدودیت‌های آزادی بیان می‌پردازد (دلماس^۶، ۲۰۲۱).

۴. تضمین حق آزادی بیان توسط دولت‌ها

آزادی بیان حق طبیعی هر انسان است بر داشتن هرگونه عقیده، بدون این که بابت آن مواخذه شده و از آن سوال شود. همچنین این عقیده تا جایی که به حقوق دیگران و ارزش‌های هنجاری جامعه آسیبی نرساند، می‌تواند بیان گردد. حکومت‌ها باید این اصل کلی را تضمین کنند تا فرد بدون ترس از عواقب بیان نظرات خود، بتواند عقاید و آرای خود را ابراز کند. به عبارت دیگر آزادی بیان به این معناست که در یک جامعه، ابزارهای محدودکننده ناعادلانه برای بیان نظرات افراد وجود نداشته باشد. به عنوان مثال اگر قانونی تصویب شود که انتقاد به روال‌های اداری و اجتماعی را جرم‌انگاری کند، این قانون ابزاری ناعادلانه جهت محدود کردن آزادی بیان خواهد بود (گاناتلک، ۲۰۲۱).

5. Harris

6. Delmas

البته آزادی بیان تنها به معنای آزادی کلام و سخن نیست؛ بلکه ابعاد دیگری همچون حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی‌های جدید اطلاع‌رسانی از جمله اینترنت، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری، حق آزادی مطبوعات و تبلیغات تجاری، را نیز شامل می‌شود. در قوانین ایران گرچه به صورت مستقیم به این حق اشاره نشده، اما قانون اساسی به عنوان قانون مادر حاکم بر تمامی قوانین عادی، این حق را به رسمیت شناخته است. همچنین اسناد بین‌المللی مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مجلس ایران تصویب شده و در حکم قانون داخلی ما هستند. دولت جمهوری اسلامی نیز منشوری تحت عنوان منشور حقوق شهروندی را تدوین و در سال ۱۳۹۵ آن را به مردم ابلاغ کرد. مواد ۲۵ الی ۲۹ این منشور به حق آزادی بیان اختصاص داشته که بدین شرح است:

ماده ۲۵- شهروندان از حق آزادی‌اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی ازجمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند این‌ها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷- شهروندان حق دارنداندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست.

ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید.

از آنچه که در قانون اساسی و قوانین دیگر برمی‌آید، می‌توان دو نوع محدودیت را برای حق آزادی بیان در قوانین ما در نظر گرفت: نخست آنچه که حقوق اشخاص را مورد

تعرض قرار دهد و دوم آنچه که با نظم و امنیت عمومی در تعارض باشد.

البته مهم ترین نکته در این باره این است که تمامی محدودیت‌های احتمالی، صرفا باید توسط قانون اعمال گردد تا جلوی اعمال سلیقه شخصی افراد گرفته شود. همچنین قانونی که محدودکننده است باید کاملا روشن و واضح بوده و از هرگونه کلی‌گویی و ابهام بپرهیزد (پری^۷، ۲۰۲۰).

در تمام اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای (به جز اعلامیه قاهره)، تأیید شده است که محدودیت‌های وارد بر اعمال این حق باید مطابق با قانون ایجاد شده باشد و اعمال آن محدودیت‌ها در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشند و نیز این محدودیت‌ها حصری هستند نه تمثیلی و دولت‌ها نمی‌توانند با تفسیر موسع خود، دامنه محدودیت‌های وارد بر اعمال این حق را گسترش دهند (کرمی و قنبری، ۱۴۰۰).

همچنین دیوان آمریکایی حقوق بشر مشابه دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر از دو صلاحیت مشورتی^۸، و صلاحیت ترافیعی^۹ برخوردار است. صلاحیت ترافیعی دیوان شامل تمامی پرونده‌هایی می‌شود که از طریق کمیسیون آمریکایی حقوق بشر یا دولت عضو کنوانسیون به دیوان ارجاع می‌شود مشروط به آن که دولت یا دولت‌های ذی ربط به موجب اعلامیه‌ای خاص یا موافقت نامه خاص، صلاحیت دیوان را درباره رسیدگی ترافیعی به رسمیت شناخته باشند. آراییی که دیوان در راستای صلاحیت ترافیعی خود صادر می‌نماید برای تمامی دولت‌هایی که صلاحیت ترافیعی دیوان را پذیرفته‌اند، الزام آور است. دیوان حق صدور حکم به جبران خسارت را دارد و در صورت عدم توافق بر مفهوم و حدود قلم و حکم، دیوان با تقاضای یک طرف ملزم به تفسیر حکم صادر است (سورابجی^{۱۰}، ۲۰۲۱).

برخلاف صلاحیت مشورتی دیوان اروپایی که بسیار کم رنگ بوده و تاکنون نقش مثبت چندان مهمی در این ارتباط ایفاء نشده، صلاحیت مشورتی دیوان آمریکایی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به موجب بند ۱ ماده ۶۴ کنوانسیون آمریکایی، تمامی دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی، چه کنوانسیون را تصویب کرده باشند یا خیر، می‌توانند درباره تفسیر کنوانسیون یا دیگر معاهدات مرتبط با حمایت از حقوق بشر بین دولت‌های عضو سازمان کشورهای آمریکایی، نظر مشورتی دیوان را جويا شوند. کمیسیون آمریکایی حقوق بشر در این راستا چندین بار تقاضای نظر مشورتی از دیوان نموده است. صلاحیت مشورتی این دیوان بسیار گسترده‌تر از صلاحیت‌های مشورتی سایر مراجع بین المللی است. تا سال ۱۹۹۶ دیوان ۱۴ نظر مشورتی ارایه نموده است (دلمااس، ۲۰۲۱).

7. Perry

8. Advisory guvisdiction

9. Adguicatory gurisdiction

10. Sorabji

از مواد ۶۱ و ۵۱ کنوانسیون آمریکایی استفاده می‌شود که افراد گروه‌ها نمی‌توانند شکایت را در دادگاه مطرح کنند و طرح دعوی در دادگاه فقط از سوی کمیسیون و دول عضو امکان پذیر است. دیوان بر پایه بند ۲ ماده ۳۶ کنوانسیون آمریکایی حق اتخاذ تصمیماتی را به جهت حمایت از افرادی که در شرایط خطرناک و اضطراب شدید قرار دارند به منظور پیش‌گیری از ورود خسارت‌های جبران‌ناپذیر به آنها دارا می‌باشد و می‌تواند اقدامات تأمینی مناسب را بر دولت‌ها الزام نماید و عملاً نیز در موارد متعددی از این حق استفاده کرده است. به این ترتیب دیوان آمریکایی حقوق بشر را می‌توان در شمار مهم‌ترین نهادهای نظارتی حقوق بشر مدرن دانست (ویت^{۱۱}، ۲۰۲۱).

نتیجه گیری

آزادی مفهومی پر مناقشه است که در مکاتب مختلف پردها‌های متفاوتی از آن شده و محدودیت‌هایی نیز برای آن بیان شده است که غالباً در اکثر نظام‌های سیاسی اجرا می‌شود. دانستن این محدودیت‌ها هم مرزهای آزادی را بیان می‌کند و هم حدود دخالت مراجع ذی صالح در ایجاد این محدودیت‌ها را مشخص مینماید. در عمل آزادی مطلق قابل تحقق نیست و طبیعتاً برای اداره جامعه و جلوگیری از هرج و مرج، محدودیت‌هایی برای آن وجود دارد که رعایت قانون و حقوق دیگران از جمله آن‌هاست. از زمانی که دولت‌ها تحت عنوان واحدهای منسجم سیاسی شکل گرفتند، به تدریج نیازهای متقابل ملت‌ها به یکدیگر، دولت‌ها را به این جهت سوق داد که به برقراری ارتباط با یکدیگر بپردازند. این امر در بسیاری موارد منجر به وقوع اختلاف در بین کشورها می‌شد و حاصل این اختلافات وقوع جنگ‌ها و وحشی‌گری‌ها در طول تاریخ بشر گردید. به تدریج اندیشمندان و مصلحان اجتماعی، مقدمات پیدایش قواعد و مقرراتی را فراهم نمودند. از این زمان به عنوان نقطه عطف پیدایش حقوق بین الملل یاد می‌شود. که قواعد این حقوق بر اساس اراده و خواست کشورها شکل می‌گرفت، و اصل حاکمیت دولت‌ها به عنوان اصل مهمی در حقوق بین الملل تلقی می‌شد. اما به تدریج این اصل فرسایش پیدا کرد و ضرورت تبعیت دولت‌ها از ارزش‌های بنیادین احساس گردید که تبعیت آن‌ها برای دولت‌ها الزامی و اجباری باشد که نمونه روشن و واضح این قواعد، قواعد حقوق بشر است. این امر به ویژه پس از تصویب منشور ملل متحد، تجلی یافته است و بعد از این، جامعه بین المللی با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گام‌هایی اساسی را در راستای تعالی و ترقی فرد به عنوان یک تابع حقوق بین الملل برداشت که مجموعه این اسناد را نظام بین المللی حقوق بشر تلقی می‌نمایند. در همین راستا آزادی‌های اساسی و بنیادین بشریت و محدودیت‌های آن در این اعلامیه‌ها بیان شده است. یکی از این حقوق غیرقابل سلب که در نظام بین المللی حقوق بشر بر آن تأکید شده است، حق آزادی بیان است. این حق به عنوان یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی در اسناد مختلف بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در ماده ۱۹، اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره در ماده ۲۲، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۱۹، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۱۰، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در ماده ۱۳ و... به آن اشاره شده است. با توجه به اینکه جدای از محدودیت‌هایی که در اسناد بین المللی حقوق بشر، برای اعمال حق آزادی بیان در نظر گرفته شده است، دولت‌ها نیز در حقوق داخلی خود موضع‌گیری‌هایی در این زمینه اتخاذ نموده‌اند.

در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت شهروندان یک جامعه، در اعمال و رفتار خود تا جایی آزادند که به حقوق و آزادی های دیگران لطمه وارد نکنند. در واقع، هنگامی که اعمال و فعالیت های یک فرد به دیگری مربوط می شود و پای در قلمرو حقوق و آزادی دیگران می گذارد، نمی توان به استناد داشتن آزادی، آن فعالیت را مجاز دانست و به آن مشروعیت بخشید.

۱. حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۵). تحلیل تطبیقی معیار تحدید آزادی‌های عمومی در نظام اسلامی و نظام بین‌المللی حقوق بشر. مطالعات حقوق بشر اسلامی. (۵(۱۰). ۱۴۴-۱۲۹.
۲. عجم اوغلو و ای. رابینسون، ۱۳۹۹، راه باریک آزادی. ترجمه سیدعلیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان. تهران: روزنه، چاپ دوم. ص ۱۲
۳. عمارلو، مرتضی. (۱۴۰۲). محدودیت‌های آزادی بیان از نگاه حقوق اسلامی و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر. حقوق جزای بین الملل، ۱(۴)، ۷۷-۷۱.
۴. قائدی بارده، حجت اله. (۱۳۹۶). محدودیت‌های آزادی بیان در حقوق بین الملل. کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی.
۵. کرمی و توحیدی، ۱۳۹۹، حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر: با اشاره به نظام حقوقی ایران. نشریه فقه و حقوق خانواده. (۲۵) ۷۳. ۲۳۳-۲۱۶.
۶. کرمی، رضا، قنبری، محمد. (۱۴۰۰). محدودیت حق آزادی بیان در منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۴(۵۴)، ص ۲۰۶.
۷. ملک پوربهبادی، منصور، جعفری، محمدحسین، (۱۴۰۲). مبانی و محدودیت های حاکم بر آزادی بیان در پرتو اسناد بین المللی، سومین کنفرانس بین المللی دانش و فناوری حقوق و علوم انسانی ایران.
۸. ملکوتی، سیدحسین، ناصری، علیرضا و قاسم آبادی، مرتضی. (۱۳۹۵). محدودیت های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین المللی. حقوق اسلامی، ۱۳(۵۰)، ۱۵۷-۱۷۹.
۹. نصیری خلیلی، دکتر علی اکبر، یعقوبی گلوردی، محمدسعید. (۱۴۰۲). مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی در قلمرو آزادی بیان با تاکید بر نظام حقوقی ایران. دو فصلنامه علمی رویکردهای حقوق سیاسی، ۱(۱)، ص ۱۴۳.
10. Boiko, I. V., Mekh, Y. V., Soloviova, O. M., Somina, V. A., & Chervyakova, O. B. (2020). Universal human rights and state sovereignty. International Journal of Criminology and Sociology, 9(301), 0.
11. Delmas-Marty, M. (Ed.). (2021). The European Convention for the protection of human rights: international protection versus

national restrictions (Vol. 19). Brill.

12. Gunatilleke, G. (2021). Justifying limitations on the freedom of expression. *Human Rights Review*, 22(1), 91-108
13. Harris, D. J., O'boyle, M., Bates, E., & Buckley, C. M. (2023). *Law of the European convention on human rights*. Oxford university press.
14. Harris, D. J., O'boyle, M., Bates, E., & Buckley, C. M. (2023). *Law of the European convention on human rights*. Oxford university press.
15. Martinico, G., & Monti, M. (2024). Online Disinformation and Populist Approaches to Freedom of Expression: Between Confrontation and Mimetism. *Liverpool Law Review*, 45(1), 143-169.
16. Perry, M. J. (2022). Constitutional Rights as Human Rights: Freedom of Speech, Equal Protection, and the Right of Privacy. *Wake Forest L. Rev.*, 57, 931.
17. Pujol, J. (2023). Freedom of expression as a pre-Enlightenment concept. In *The Routledge Companion to Freedom of Expression and Censorship* (pp. 13-22). Routledge.
18. Schapper, Jake H. M.; McLeod, Sam; Hedgcock, Dave; Babb, Courtney (2020). "Freedom of Information for Planning Research and Practice in Australia: Examples, Implications, and Potential Remedies". Urban Policy and Research . Volume 39-Issue 1.
19. Sorabji, R. (2021). *Freedom of speech and expression: its history, its value, its good use, and its misuse*. Oxford University Press.
20. Tymoshenko, V., Bondar, S., & Ivanchuk, N. (2023). Human freedom in the legal dimension. *Law Journal of the National Academy of Internal Affairs*, 1(13), 9-17.
21. Weber, A. (2024). Civil Liberties II:(Freedom of Thought, Expression, Religion, Assembly, Association, and Movement). In *Writing Constitutions: Volume 2: Fundamental Rights* (pp. 151-

196). Cham: Springer International Publishing.

22. Weber, A. (2024). Limitation and Derogation of Fundamental Rights. In *Writing Constitutions: Volume 2: Fundamental Rights* (pp. 581-604). Cham: Springer International Publishing.

23. Witte Jr, J., & Witte, J. (2021). *The Blessings of Liberty: Human Rights and Religious Freedom in the Western Legal Tradition*. Cambridge University Press.